



University of Science and Quranic Knowledge  
Shahran Faculty of Quranic Sciences

## The role of reason in interpreting the meanings of the Quran from the perspective of rationalism and textualism Abstract

Seyed Mohammad Naqib<sup>1</sup>  ; Fereshte Mohammadi<sup>2</sup> 

1. Associate Professor, Holy Quran University of Sciences and Education, Faculty of Quranic Sciences, Qom, Iran.  
[naghib@quran.ac.ir](mailto:naghib@quran.ac.ir)
2. PhD student in Comparative Interpretation, University of Holy Quran Sciences and Education, Qom, Iran.  
[Mohammadi1993.1372@gmail.com](mailto:Mohammadi1993.1372@gmail.com)

### Abstract

Among the various topics of Quranic sciences, the discussion of interpretation approaches and commentators' views holds an important place. The two approaches, rationalism and textualism, play a particularly important role in the process of interpreting and interpreting the meanings of the Quran. The present study, using a descriptive and analytical method and a library approach, examines the views of rationalism and textualism in understanding the meanings of the Quran. The results of the study show that MullaSadra, as one of the most prominent Muslim thinkers, has a specific view on understanding the Quran and believes that Sharia and rational principles are inseparable. He considers reason essential in understanding the Quran and emphasizes the philosophical and demonstrative interpretation of the verses. In contrast, textual commentators emphasize the appearance of religious texts in interpreting the verses and do not believe in any place for the intervention of reason in determining the intention of God. These views ultimately lead to different effects on the way the Quran is interpreted and interpreted.

**Keywords:** Reason, interpretation of the meanings of the Quran, commentators, rationalism, textualism

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

Received: 2025-01-06 ; Received in revised from: 2025-04-07 ; Accepted: 2025-04-16 ; Published online: 2025-04-16

◆ How to cite: nagheb, M. and 2025). (محمدي، ف.). The role of reason in interpreting the meanings of the Quran from the perspective of rationalism and textualism Abstract. (e219097). *Quranic comentations*, 6(12), p24-41 , e219097 . doi: 10.22034/qc.2025.498416.1142



## نقش عقل در تاویل معانی قرآن از دیدگاه عقل‌گرایی و نص‌گرایی

سید محمد نقیب<sup>۱</sup> ID، فرشته محمدی<sup>۲</sup> ID

۱. دانشیار، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، دانشکده علوم قرآنی، قم، ایران. [naghbi@quran.ac.ir](mailto:naghbi@quran.ac.ir)

۲. دانشجوی دکتری تفسیر تطبیقی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، قم، ایران. [Mohammadi1993.1372@gmail.com](mailto:Mohammadi1993.1372@gmail.com)

### چکیده

در میان مباحث مختلف علوم قرآنی، بحث از رویکردهای تفسیری و دیدگاه‌های مفسران از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. دو رویکرد عقل‌گرایی و نص‌گرایی به‌طور خاص در فرآیند تاویل و تفسیر معانی و مفاهیم قرآن نقش اساسی ایفا می‌کنند. پژوهش حاضر با روش توصیفی و تحلیلی و با رویکرد کتابخانه‌ای به بررسی دیدگاه‌های عقل‌گرایی و نص‌گرایی در فهم معانی قرآن پرداخته است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که ملاصدرا به‌عنوان یکی از برجسته‌ترین اندیشمندان عقل‌گرای مسلمان، دیدگاه خاصی در شناخت قرآن دارد و معتقد است که شریعت و اصول عقلی از هم جداشدنی نیستند. وی عقل را در فهم قرآن ضروری می‌داند و به تاویل فلسفی و برهانی آیات تأکید می‌کند. در مقابل، مفسران نص‌گرا بر ظاهر نصوص دینی در تفسیر و تاویل آیات تأکید دارند و هیچ جایی برای دخالت عقل در تشخیص مراد خداوند قائل نیستند. این دیدگاه‌ها در نهایت به تأثیرات متفاوتی در نحوه تفسیر و تاویل قرآن منجر می‌شود.

**کلیدواژه‌ها:** عقل، تاویل معانی قرآن، مفسران، عقل‌گرایی، نص‌گرایی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۱۷ | تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۸/۱۸ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۸/۲۷ | تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۸/۲۷

♦ استناد به این مقاله: نقیب، سید محمد و محمدی، فرشته. (۱۴۰۴). نقش عقل در تاویل معانی قرآن از دیدگاه عقل‌گرایی و نص‌گرایی. (۲۶۱۹۰۹۷). *مطالعات تاویلی قرآن*, ۶(۱۳)، ۴۱-۲۴، ۲۶۱۹۰۹۷. doi: 10.22034/qc.2025.498416.1142

## ۱. طرح مسئله

انسان از دیر باز تاکنون در خصوص نقش عقل در فهم معانی قرآن با رویکردها و نظریه‌های مختلفی روبه‌رو بوده است که گرایش عقل‌گرایی و نص‌گرایی از مهم‌ترین آن‌ها هستند. گرایش نص‌گرایی کاملاً فهم خود را در چارچوب ظواهر متون دینی محدود ساخته و با هر گونه تاویل و فراتر رفتن از معانی ظاهری به مخالفت برخاسته است و در نقطه مقابل، گرایش عقل‌گرایی هیچ تعهدی به ظواهر نداشته و به معانی تاویلی و باطنی که هیچ ربطی به ظواهر ندارند، قائل شده‌اند و فهمشان از متون دینی هیچ‌گونه ضابطه‌ای نداشته، لذا گرفتار هر ج و مرج شده‌اند. به گونه‌ای که نزد برخی از این گروه‌ها (اسماعیلیان) اصولاً علمی به نام «تفسیر» که به فهم ظواهر متون می‌پردازد، وجود ندارد (محمدی، ۱۳۸۶: ۱۳۰-۱۳۱). این دو گرایش در طول تاریخ در کنار هم وجود داشته و در عصر حاضر نیز شاهد تاثیر این دو گرایش بر تفسیر قرآن کریم هستیم که متأسفانه افراط و تفریط هر دو، تنها در مباحث نظری و اعتقادی محدود نشده، بلکه به مرحله عمل نیز کشیده شده و پیامدهای زیانباری بر حوزه فهم معانی قرآن و تفسیر داشته است.

یکی از فجایعی که در عصر حاضر جوامع اسلامی درگیر آن هستند، اعمال خشونت‌آمیز و ترورها و انفجارهای وحشیانه‌ای است که به دست کسانی انجام می‌گیرد که به لحاظ نظری متأثر از یکی از دو دیدگاه افراط و تفریطی مذکور هستند (به عنوان مثال ترورهایی که به دست گروه فرقان یا مجاهدین خلق (منافقین) انجام شده، و یا ترورهایی که به دست گروه‌های افراطی سلفی انجام می‌شود که اولی را می‌توان از مصادیق تاویل‌گرایان بی‌ضابطه و دومی را از مصادیق ظاهرگرایان متحجر دانست) (کردی، ۱۳۸۷: ۲۴). از سوی دیگر در روایات معصومین علیهم‌السلام، توجه به عقل بسیار مورد تاکید قرار گرفته است تا آنجا که پیامبر گرامی اسلام فرمودند: «لادینَ لَمَن لا عقلَ له» (آنکه عقل ندارد دین ندارد)، و امام علی علیه‌السلام می‌فرمایند: «العقولُ أئمةُ الأفکارِ، والأفکارُ أئمةُ القلوبِ، و القلوبُ أئمةُ الحواسِ، و الحواسُ أئمةُ الأعضاء» (نیشابوری، ۱۳۶۶: ۴۵۰) (عقل‌ها، امام (پیشوایان) اندیشه‌ها هستند و اندیشه‌ها پیشوایان دل‌ها و دل‌ها امام و پیشوایان حواس و حواس پیشوایان اندام‌ها) (نوری، ۱۴۰۸: ۱۱/۲۰۷).

با توجه به مطالب مذکور، این سوال مطرح می‌شود که کدام یک از گرایش‌ها نقش موثر و کارکرد مطلوبی بر فهم معانی قرآن دارند؟ و کدام یک از آن‌ها موجب تصحیح اندیشه متحجرانه انسان از فهم معانی آیات قرآن می‌شود؟ برای پاسخ

به سوالات و چالش مذکور، تحقیق حاضر درصدد تبیین «واکاوی نقش عقل در فهم معانی قرآن از دیدگاه عقل‌گرایی و نص‌گرایی» است. امکان و شرایط نقش‌آفرینی عقل در فهم و تفسیر قرآن از مهم‌ترین مباحث مبنایی دانش تفسیر است که از دیرباز در کانون توجه دانشمندان و فرق اسلامی قرار گرفته است. در مورد امکان کاربرد عقل در زمینه فهم وحی و آیات قرآن، دیدگاه‌های مختلفی ارائه شده است: عده‌ای وحی را پندار انسان می‌دانند و در قیاس با عقل برای آن اصالتی قائل نیستند، برخی دیگر با وجود عدم انکار ارزش معرفتی وحی، عقل خویش را میزان وحی دانسته‌اند و هر آنچه عقل توان ادراک آن را نداشته باشد، انکار می‌کنند. گروهی دیگر عقل را تنها مفتاح شریعت پنداشته‌اند که تنها اصول اساسی دین با آن قابل اثبات است و سپس از آن جایگاهی برای عقل در هندسه معرفت دینی قائل نیستند. عده‌ای دیگر عقل را در شماری از معارف، معیار و در برخی دیگر مصباح و در موارد دیگر، مفتاح شریعت می‌دانند. در این دیدگاه، عقل درون هندسه معرفت دینی به عنوان یکی از ابزارهای معرفتی محسوب می‌شود (جواد آملی، ۱۳۸۴: ۲۱۴-۲۰۷)

در میان اندیشمندان اسلامی، صدرالمتألهین شیرازی (۱۰۵۰-۹۷۹ق) گرایش خاصی به حدود شناختی عقل و کارکرد آن در فهم قرآن به عنوان یک متن وحیانی دارد. حکمت متعالیه او در عین حال که برای هر کدام از عقل، شهود و وحی استقلال قائل است، عقل و شهود را با محوریت وحی -بهدلیل اطلاق و سعه وجودی وحی نسبت به وجودهای مقید عرفان و برهان جداناپذیر می‌داند (ملاصدرا، ۱۳۹۱: ۴۳۸) با توجه به جست‌وجوی نگارنده در خصوص موضوع ذکر شده، تاکنون تحقیق مستقلی در این مساله نگاشته نشده است، اما برخی از نویسندگان به صورت موردی و جزئی در آثارشان به این موضوع اشاره نموده‌اند که در ذیل با عنوان نمونه به چند مورد اشاره و سپس به جنبه امتیاز پژوهش حاضر نسبت به آن‌ها پرداخته می‌شود:

۱. مصباح یزدی، محمدتقی، قرآن‌شناسی: در این کتاب، ذیل دو عنوان «امکان فهم قرآن و بهره‌مندی از قرآن» و «جواز فهم قرآن» ادله‌ی نص‌گرایان مبنی بر امتناع فهم و عدم جواز فهم قرآن بررسی شده و در ضمن آن به صورت کوتاه دلیل دور بودن قرآن از عقول مردم، طرح و نقد شده است.

۲. نجفی، محمدتقی، ارزیابی کارآمدی «تاویل‌گرایی» در فهم قرآن: به مباحثی از جمله معنای ظاهری و تاویلی و به علت‌های تاویل سخن گفته است.

۳. الیاده، میرچا، مترجم (محمود تقی زاده داور) تفسیر گرای تاویلی: به علت

گرفتار شدن برخی از تفاسیر به تاویلات ناصحیح در دوره های مختلف پرداخته است.

۴. بابایی، علی اکبر، امکان جواز تفسیر: دلیل های نص گرایان را درباره اینکه آیا غیر معصومان می توانند یا مجازند قرآن را تفسیر کنند نقد و بررسی نموده است.

۵. نجارزادگان، فتح الله، رهیافتی به مکاتب تفسیری: به بررسی دو مکتب اخباری و سلفی در مقولاتی چون حرمت تفسیر و اعتبار مصادر تفسیری طرح و ارزیابی نموده است.

۶. مهدوی راد، محمدعلی، زرگر، نرگس، نقش عقل در فهم آیات قرآن (مقایسه دو دیدگاه ملاصدرا و احساسی): در زمینه امکان کاربرد عقل در عرصه فهم وحی به مقایسه دیدگاه این دو دانشمند پرداخته اند.

۷. آریان، حمید، شأن و کارکرد عقل در تفسیر قرآن از دیدگاه نص گرایان: به امکان و شرایط نقش آفرینی عقل در تفسیر قرآن از دیدگاه نص گرایان می پردازد و هدف آن، واکاوی مدعا و اعتبار سنجی ادله ی آنان درباره شأن عقل در تفسیر قرآن است.

۸. زرگر، نرگس، عبداللهی، محمدعلی، نقش عقل در فهم آیات قرآن از منظر ملاصدرا به واکاوی نقش عقل در اصول مورد پذیرش ملاصدرا در جهت فهم قرآن می پردازند.

اما واکاوی دیدگاه عقل گرایان و مفسران نص گرا ما را به سمت و سوی کشف تضاد این دو دیدگاه سوق می دهد تا ضمن پرداختن به آن مباحث، به مقایسه دیدگاه عقل گرایی و نص گرایان در مورد نقش عقل در تفسیر کلام وحی به جست و جو پرداخته تا حیطة و حدود ادراک و عقل آنان در تفسیر قرآن، اصول و مبانی مدنظرشان را بازگو نماید و اینکه این دو گروه تا کجا عقل را در تفسیر آیات قرآن دخیل می دانند، مد نظر نگارنده می باشد.

## ۲. مفهوم شناسی فهم و معانی قرآن

فهم در لغت به معنای شناخت، تعقل و شناخت قلبی است (فراهیدی، ۱۴۱۰: ۶۱/۴؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ۴۶۰/۱۲). این واژه به مفهوم درک معانی از طریق کلمات است که معادل فارسی آن «درک» می باشد (دهخدا، ۶۱۱/۲). ابن رشد فهم را دریافت معانی از طریق کلمات گوینده بر شنونده می داند و آن را ایصال معنا به مخاطب از طریق کلام می داند (ابن رشد: ۳۰۴). علامه طباطبایی نیز فهم را عملی هستی شناختی می داند که اساس زبان و تاویل است؛ به این معنا که تاویل صراحت بخشیدن به فهم است (پالمر، ۱۳۸۷: ۱۴۵). در قرآن، واژه «فهم» یکبار

در آیه «فَفَهَّمْنَاهَا سُلَيْمَانَ...» (انبیاء/۷۹) آمده است. در تفسیر قرآن، برخی فهم و تفسیر را مترادف دانسته‌اند، برخی آن را مقدمه تفسیر و برخی دیگر نتیجه تفسیر می‌دانند (طباطبایی، ۱۳۱۷ق: ۱۵۶). در این تحقیق، «فهم معانی قرآن» به معنای دانستن مدلول و مضمون قرآن است.

در خصوص فهم معانی قرآن، دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد: قرآن فقط برای عده خاصی مانند پیامبر و ائمه علیهم‌السلام قابل فهم است (نقی پور، ۱۳۸۴: ۶۰).

برخی معتقدند فهم قرآن به معنای درک حقیقت آن است، نه صرف فهم ظاهر آیات (خوبی، ۱۳۸۲: ۲۳۴).

نظریه غالب این است که قرآن برای عموم افراد به تناسب استعدادها قابل فهم است. علامه طباطبایی معتقد است که فهم قرآن بدون نیاز به بیان پیامبر امکان‌پذیر است و دور لازم نمی‌آید (طباطبایی: ۸۵/۳). امام خمینی نیز همین نظر را دارند و می‌فرمایند فهم قرآن برای همه افراد به تناسب ظرفیت‌ها و استعدادها ممکن است (خمینی، ۱۳۵۸: ۱۷۰). در این تحقیق، نگارنده بر اساس دیدگاه سوم، به تبیین فهم قرآن از منظر ملاصدرا و نص‌گرایان پرداخته است.

### ۳. جایگاه عقل در فهم معانی قرآن

امکان و شرایط نقش‌آفرینی عقل در فهم معانی قرآن از مباحث کلیدی علم تفسیر است که از گذشته تاکنون مورد توجه اندیشمندان اسلامی قرار گرفته است. دیدگاه‌های مختلفی در این زمینه وجود دارد که به تفاوت نظرها درباره نقش عقل در تفسیر قرآن باز می‌گردد. این اختلافات منجر به ظهور دو دیدگاه عمده عقل‌گرایی و نص‌گرایی شده است. در ادامه، به بررسی دیدگاه ملاصدرا که به عقل‌گرایی (به معنای تأثیر عقل برهانی و فلسفی در تفسیر) اعتقاد دارد و همچنین نظر نص‌گرایان پرداخته می‌شود.

#### ۳-۱. ملاصدرا

ملاصدرا در میان متفکران مسلمان بیش از دیگران به هم‌ساز کردن آموزه‌های دینی و عقلانی پرداخته است. او توانسته است سه راه رسیدن به حقیقت (وحی، برهان، و کشف) که پیش‌تر متعارض یا بی‌ارتباط به نظر می‌آمدند، در یک مسیر مشترک جمع کند. یکی از نتایج این نظریه، توفیق میان عقل و وحی است. وی معتقد است که عقل و دین دو حجت الهی هستند که یکی به صورت ظاهری و دیگری به صورت باطنی عمل می‌کنند و در یک راستا حرکت می‌کنند (نیکزاد،

۱۹: ۱۳۸۶-۲۰). از نظر ملاصدرا، عقل و دین مکمل یکدیگرند؛ دین بدون عقل نمی‌تواند به هدف خود برسد و عقل بدون دین کافی نیست. او عقل را به چشم سالم و دین را به نور خورشید تشبیه کرده است، زیرا هیچ‌کدام بدون دیگری نمی‌توانند مؤثر باشند (ملاصدرا، ۱۳۹۱: ۴۳۸) ملاصدرا قرآن را به عنوان معجزه پیامبر ﷺ امری عقلی می‌داند و معتقد است که پس از ختم ارسال کتاب و شریعت، تنها حجت باطنی عقل پاک باقی می‌ماند. اهل بصیرت کسانی هستند که با نور عقل و درک نبوت، راه الهی را می‌پیمایند، در حالی که اهل حجاب نیاز به رهبری خارجی دارند (صدرالمتالهین، ۱۳۶۶: ۱/۵۶۶-۵۶۸). او همچنین بر این باور است که برتری پیامبران به کمال عقلانی آن‌هاست و آن‌ها برای آموختن علم، نه زهد یا عبادت، برانگیخته شده‌اند (صدرالمتالهین، ۱۳۶۶: ۱/۳۶۲). به طور کلی، عقل به عنوان ابزاری مهم برای فهم معانی قرآن مطرح است و دیدگاه ملاصدرا در این زمینه با آموزه‌های قرآن مطابقت دارد.

### ۳-۲. نص گرایان

معتقدان به نص‌گرایی جایگاهی برای عقل در فهم معانی قرآن قائل نیستند و معمولاً نقل را بر عقل مقدم می‌دارند. تکیه‌گاه اصلی نص‌گرایان در تفسیر قرآن، روایات منقول از پیامبر ﷺ و اهل بیت (در میان شیعیان) یا روایات پیامبر و اقوال صحابه و تابعین (در میان اهل سنت) است. (عمید زنجانی، ۱۳۶۶: ۱۰۰) مالک بن انس از امامان اهل سنت که یکی از بزرگ‌ترین چهره‌های نص‌گرا به شمار در تفسیرهای خود هیچ‌جایی برای عقل در نظر نگرفته است. یکی از مفسران نص‌گرا نیز بر این باور است که قرآن فقط با کلام خدا، رسول خدا ﷺ یا لغت عرب تفسیر می‌شود و تفسیر بر اساس ظنون و استنباط‌های شخصی را مردود می‌داند. در نتیجه، بین دیدگاه ملاصدرا که برای عقل در فهم قرآن اهمیت زیادی قائل است و نص‌گرایی که صرفاً به ظواهر آیات بسنده می‌کنند، تضاد و تعارضی اساسی وجود دارد. عقل‌گرایان برای فهم آیات علاوه بر تفسیر ظاهر آیات از «تائویل» بهره می‌برند. تائیلدست یابی به معنای عمیق‌تر و فراتر از ظاهر نصوص است که نیازمند درک و بهره‌گیری از عقل و اجتهاد فقهی می‌باشد. تائویل می‌تواند به عنوان روشی در تحلیل معانی قرآن مطرح شود که در آن، علاوه بر توجه به ظواهر آیات، به تأملات عقلانی و دلالات پنهانی نیز پرداخته می‌شود، از این رو، تفاوت اساسی میان تائویل و تفسیر ساده ظاهری آیات در همین است که تائویل به دنبال کشف معانی ضمنی و پیچیده‌تر قرآن است که با استفاده از عقل و اجتهاد صورت می‌گیرد.

## ۴. اصول فهم معانی قرآن از منظر ملاصدرا و نص‌گرایان

برای ارزیابی دیدگاه ملاصدرا و نص‌گرایان در زمینه نقش عقل در فهم معانی قرآن، به بررسی اصول فهم معانی قرآن پرداخته و در ادامه به اشتراک و افتراق این دو دیدگاه می‌پردازیم.

### ۴-۱. اصل حجیت عقل در تفسیر

مشهور عالمان اصول امامیه از عقل به عنوان دلیل چهارم برای استنباط احکام شرعی یاد کرده و حجیت آن را بررسی نموده‌اند. مراد از حکم عقل، دستورات عقلانی است که انسان بدون جهت تشریحی به آن‌ها حکم می‌کند یا از انجام آن‌ها نهی می‌شود. حجیت حکم عقل نیز به این معناست که این حکم می‌تواند انسان را به حقیقت حکم خداوند برساند و او را از اشتباه معذور سازد؛ زیرا طبق دیدگاه توحیدی، تنها شارع خداوند است و وظیفه انسان کشف احکام است که خداوند برای او وضع کرده است. این وظیفه در عصر حضور از طریق انبیاء و امامان تحقق یافته و در عصر غیبت به وسیله اجتهاد فقیهان قابل دستیابی است. در نوشتار نص‌گرایان در حجیت حکم عقل اختلافاتی مشاهده می‌شود. طیف وسیعی از نص‌گرایان به علت عدم پذیرش قاعده ملازمه، این حکم عقل را زیر سؤال برده‌اند (ر.ک. علیدوست، ۱۳۸۳: ۷۶). بنابراین، مسئله حجیت حکم عقل به علت وجود چنین اختلافاتی به مسئله‌ای نسبتاً چالش‌برانگیز تبدیل شده است و دو گروه عقل‌گرا و نص‌گرا را مقابل یکدیگر قرار داده است. در بین دانشمندان اسلامی، صدرالمتهلین شیرازی (۱۰۵-۹۷۹ق) جهان را به سه جهان مادی، مثالی و عقلانی تقسیم می‌کند و قرآن را به عنوان مظهر این سه‌گانه جهان‌ها، دارای مراتب معنایی می‌داند. در این دیدگاه، درجه نخست آن از سنخ الفاظ است، اما درجات دیگر آن ورای الفاظ بوده و باطن قرآن محسوب می‌شود (ناجی اصفهانی، ۱۳۷۵: ۵۶). ملاصدرا رویکرد خاصی به حدود شناخت عقل و کارکرد آن در فهم قرآن به عنوان یک متن وحیانی دارد. حکمت متعالیه او در عین حال که برای هرکدام از عقل، شهود و وحی استقلال قائل است، عقل و شهود را با محوریت وحی به دلیل اطلاق و سعه وجودی وحی نسبت به وجودهای مقید عرفان و برهان جداناپذیر می‌داند (صدرالمتهلین شیرازی، ۱۳۶۸: ۳۲۸). او معتقد است که میان فهم قرآن و هستی‌هماهنگی وجود دارد و ضمن باور به این هماهنگی، بر نقش عقل تأکید می‌کند. او با استفاده از آیه «وَلَكِنْ جَعَلْنَاهُ نُورًا نَهْدِي بِهِ مَنْ نَشَاءُ مِنْ عِبَادِنَا وَإِنَّكَ لَتَهْدِي إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» (شوری/۵۲) قرآن را نور عقلی معرفی می‌کند که با آن نور، شناخت به مبدأ و معاد حاصل شده، حقایق اشیاء



مشاهده و درک می‌شود (صدرالمتالهین، ۱۳۶۰: ۱۳). مقصود از این نمونه آن است که در نظری، نور قرآن موجب فهم و درک حقایق اشیاء می‌شود. او در توضیح صفات و نام‌های قرآن در لغت، قرآن را به معنای جمع و فرقان را به معنای فرق و تفصیل می‌داند و نتیجه می‌گیرد که کلمه قرآن در آیه ﴿إِنَّ عَلَيْنَا جَمْعَهُ وَقُرْآنَهُ﴾ (قیامت/۱۷) به کلمه‌ای اجمالی (معروف به عقل بسیط) اشاره دارد که همان علم به کلیه موجودات به صورت بسیط اجمالی است (صدرالمتالهین، ۱۳۶۰: ۱۲). در مقابل این اندیشه ملاصدرا، کسانی از جمله نص‌گرایان معتقدند که عقل از دسترسی به فهم قرآن ناتوان است. یکی از این افراد، شیخ حر عاملی است که به جمع‌آوری احادیثی از مصادر شیعی پرداخته تا لزوم نص‌گرایی در تفسیر قرآن را ثابت کند (حرعاملی، بی تا: ۴۵۰/۱). طبق باور نص‌گرایان، نمی‌توان در تفسیر قرآن بر عقل تکیه کرد، بلکه باید از دخالت دادن آن در تفسیر آیات پرهیز نمود. از جمله این روایت‌ها، روایت امام باقر علیه السلام است که می‌فرماید: «إِنَّ لِلْقُرْآنِ بَطْنًا وَ لِلْبَطْنِ بَطْنًا وَ لَهُ ظَهْرٌ وَ لِلظَّهْرِ ظَهْرٌ. یَا جَابِرُ، لَیْسَ شَیْءٌ أَعْبَدُ مِنْ عَقُولِ الرِّجَالِ مِنْ تَفْسِیرِ الْقُرْآنِ» (برقی، ۳۰۰/۱). همچنین در این باره می‌توان به فرمایش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در رابطه با تفسیر آیه ﴿إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّیْلِ وَالنَّهَارِ آیَاتٍ لِأُولِی الْأَلْبَابِ﴾ (آل عمران/۱۹) اشاره نمود که حضرت می‌فرماید: «وای بر کسی که آیات قرآن را بخواند و در آیات خداوند درباره آفرینش تفکر و تدبیر نکند». در نهایت، تاویل در دیدگاه ملاصدرا به عنوان ابزاری برای دستیابی به فهم‌های عمیق‌تر و پنهانی از قرآن مطرح می‌شود، در حالی که نص‌گرایان از تاویل به عنوان دخالت در معنای قرآن اجتناب کرده و تنها به ظاهر آیات اعتماد دارند. این تفاوت در نگاه‌ها به نقش عقل و تاویل در تفسیر قرآن باعث ایجاد تفاوت‌های عمده‌ای میان این دو دیدگاه می‌شود.

#### ۴-۲. اصل مطابقت فهم قرآن و فهم هستی

برخی تصور می‌کنند که فهم قرآن و تفسیر آن تنها مختص معصومین است و هیچ‌کس دیگر حق ندارد قرآن را تفسیر کند. این افراد معمولاً به روایت «إِنَّمَا یَعْرِفُ الْقُرْآنَ مَنْ حُوِّطَ بِهِ» (مجلسی: ۲۴/۲۳۷) استناد می‌کنند. به نظر می‌رسد این برداشت نادرست باشد و بسیاری از مفسران و علمای ما، از جمله علامه طباطبائی، شیخ طبرسی، شیخ طوسی و سایر مفسران بزرگ، نه تنها تفسیر قرآن را جایز می‌دانند بلکه آن را عبادت نیز به شمار می‌آورند. در این میان، استاد مصباح بهترین دلیل برای فهم‌پذیری و استقلال دلالتی قرآن را احادیثی عرضی می‌داند. (مصباح، ۱۳۸۵: ۷۳/۲) این احادیث به مخاطبان فرمان می‌دهند که

حدیث را به قرآن عرضه کنند. به عنوان مثال، در روایتی از امام صادق آمده است: «كُلُّ شَيْءٍ مَرْدُودٌ إِلَى الْكِتَابِ وَالسُّنَّةِ وَكُلُّ حَدِيثٍ لَا يُؤَافِقُ كِتَابَ اللَّهِ فَهُوَ زُخْرُفٌ»، یعنی هر چیزی باید به کتاب خدا و سنت بازگردانده شود و هر حدیثی که با کتاب خدا موافق نباشد، باطلی آراسته است. این روایت به روشنی دلالت می‌کند بر اینکه فهم قرآن امکان‌پذیر است. (کافی، ۱۳۹۰: ۶۹/۱) در میان دانشمندان اسلامی، ملاصدرا قرآن را به عنوان مظهر جهان‌های سه‌گانه هستی می‌داند و بر این باور است که قرآن دارای مراتب معنایی مختلف است. به این ترتیب، کلمات قرآنی نمادهایی از حقیقت و باطن قرآن هستند. از نظر او، شناخت صورت موجودات، تفاوت‌ها، ناسازگاری‌ها و حالات آن‌ها، نشانه‌هایی برای شناخت باطن قرآن به شمار می‌روند (صدرالمتألهین، ۱۳۶۳: ۹۵-۲۳). ملاصدرا تاویل قرآن را ابزار مهمی برای دستیابی به معانی پنهانی آن می‌داند. از سوی دیگر، معتقدان به نص‌گرایی برای عقل در فهم تفسیر قرآن جایگاهی قائل نیستند و غالباً نقل را بر عقل مقدم می‌دارند. آنان از تاویل آیات قرآن بر اساس دریافت‌های عقلی خود جلوگیری می‌کنند و تنها به ظاهر آیات اکتفا می‌کنند. این رویکرد با دیدگاه ملاصدرا در تضاد است، زیرا او بر این باور است که هماهنگی موجود در عالم هستی می‌تواند به فهم بهتر قرآن کمک کند. طبق نظر ملاصدرا، با شناخت بیشتر از عالم هستی و مراتب مختلف آن، و همچنین با شناخت صورت و حالات موجودات، امکان کسب معرفت نسبت به مراتب بالاتر معانی قرآن فراهم می‌شود. در مقابل، نص‌گرایان عقل بشر را از درک حقایق ماوراءالطبیعی قرآن و روایات ناتوان می‌دانند و معتقدند که بشر نمی‌تواند از ظاهر آیات قرآن فراتر برود. آنها در این زمینه به تعبد و تسلیم در برابر نصوص دینی اعتقاد دارند (مطهری، ۴۵: ۴۷). بر این اساس، نص‌گرایان تاویل آیات قرآن را به‌ویژه بر اساس عقل بشری، مردود می‌شمارند و معتقدند که فهم قرآن باید محدود به ظاهر آیات و متون باشد. این در حالی است که ملاصدرا با استفاده از روش‌های فلسفی و عقلانی، تاویل را ابزاری برای کشف مراتب عمیق‌تر و پنهانی قرآن می‌داند.

#### ۴-۳. اصل مطابقت فهم انسان و درک قرآن

فهم برای انسان از ارزش حیاتی برخوردار است، به‌گونه‌ای که سایر توانایی‌های آدمی تحت کنترل فهم قرار دارند و بر اساس آن سیر کمال طی می‌شود (معادخواه، ۱۳۷۰: ۳۸/۸). اگرچه فهم در میان مردم یکسان نیست و هیچ‌کس به دلیلنداشتن مراتب عالی‌تر از فهم قابل انتقاد و سرزنش نیست، اما هر انسانی

که از همان مقدار بهره عقلی خود استفاده نکرده و آن را برای یافتن طریق حق به کار نگیرد، قطعاً فکر خود را به تباهی و ضلالت خواهد کشاند. چنین فردی، حتی اگر از فهم برخوردار باشد، قابل سرزنش است و خداوند این گونه افراد را توبیخ کرده و آن‌ها را پست‌تر از چهارپایان و موجودات فاقد فهم و شعور می‌شمارد: ﴿إِنَّهُمْ إِلَّاكَا لَا تَعْمَلُونَ مَبْلَغَ مَا ضَلَّ سَبِيلًا﴾ (فرقان/۴۴). در این زمینه، ملاصدرا نیز به تناسب درجات قرآن برای انسان درجات مختلفی قائل است (صدرالمتألهین، ۱۳۶۳: ۳۹). او معتقد است که کلام خداوند برای همه انسان‌ها از جهت قرآن بودن قابل فهم نیست، اما به اعتبار فرقان بودن، به تناسب مرتبه ادراک ادراک‌کننده قابل فهم و درک است. به گفته او، حقیقت قرآن و فرقان که از عالم امرند، بر صفحه‌ها به صورت مکتوب در نمی‌آیند، بلکه جای واقعی آن‌ها در قلب‌های عالمان است و تنها کلمات و الفاظ آن‌ها در الواح و صفحات نقش می‌بندند. بنابراین، هر کسی قرآن را به قدر درک خود می‌فهمد، اما کلام حقیقی قرآن را تنها انسان‌های پاک می‌توانند درک کنند (صدرالمتألهین، ۱۳۶۳: ۵۷).

از سوی دیگر، نص‌گرایان معتقدند که خداوند طبق آیه ﴿وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ﴾ (نحل/۴۴)، تبیین و تفسیر قرآن را تنها بر عهده پیامبر ﷺ قرار داده است و هیچ‌یک از انسان‌های دیگر چنین شأنی را برای تفسیر قرآن ندارند. این دیدگاه گاهی به این صورت مطرح می‌شود که پیامبر اکرم ﷺ تمام معانی قرآن را برای اصحاب خود بیان کرده است (ابن تیمیه، ۱۴۲۳: ۹) و سخن منقول از ابن مسعود درباره روند تعلیم قرآن به قالب ده آیه ده آیه (طبری، ۱۴۱۲: ۲۷/۱) نیز موید همین مطلب است. بر اساس این نظر، دیگران باید تنها از طریق بیان‌ها و احادیث پیامبر به تفسیر قرآن بپردازند. لازمه این نظر آن است که رسیدن به مراد خداوند از طریق عقل و تلاش عقلی ممکن و جایز نیست (ذهبی، ۱۳۹۶: ۲۵۷). در نتیجه، هر دو گروه، یعنی ملاصدرا و نص‌گرایان، به مطابقت میان انسان و قرآن اعتقاد دارند، با این تفاوت که نص‌گرایان معتقدند این هماهنگی فقط مختص به پیامبر ﷺ است و راه فهم برای سایر انسان‌ها بسته است، در حالی که ملاصدرا برای همه انسان‌ها درجات مختلفی از فهم قرآن را قائل است و هر فرد به تناسب درجه ادراک خود می‌تواند قرآن را درک کند.

#### ۴-۴. اصل ذو بطن بودن قرآن

مقصود از بطن آیه، مفهوم گسترده و دامنه‌داری است که در پس پرده ظاهر (یعنی ظاهر که در بند خصوصیات مورد نزول است)، نهفته است که تحت شرایطی

این مفهوم وسیع بایستی از بطن آیه استخراج شود (معرفت، ۱۳۷۹: ۹۱) از میان اندیشمندان اسلامی زرکشی نیز فهم ظاهر قرآن را مقدمه و کلید راه یابی به اسرار قرآن دانسته و بر فراگیری تفسیر ظاهر تأکید کرده است. (زرکشی، ۱۴۲۱: ۱۷۱). برخی دیگر از مفسران نیز بر اهمیت ضابطه در دستیابی به معانی پنهان قرآن تأکید کرده‌اند (آلوسی، ۱۴۱۵: ۷۰/۸) و همچنین طبق دیدگاه صدر المتالهین علم ظاهری نسبت به قرآن، برای فهم حقیقت کافی نیست، و تفسیر باطنی تاویل امری ضروری در تفسیر آن است؛ زیرا ورای معنای ظاهری، معنای باطنی پیچیده‌ای وجود دارد که با تفسیر ظاهری قابل دسترسی نمی‌باشند (صدر المتالهین، ۱۳۶۳: ۱۶۲، ۴) بلکه خروج از تنگنای الفاظ و دیدن معانی حقیقی آن‌هاست (صدر المتالهین، ۱۳۶۳: ۸۳) او تاویل آیات را، ضمن حفظ ظاهر الفاظ تفسیر به رای نمی‌داند؛ زیرا شرح، استنباط و استقلال در فهم آیات را نهی نکرده است. صدرا اگر چه پسند کرده که ظاهر الفاظ، روایات منقول و یا نظر مفسران گذشته را جایز نمی‌داند، تفسیر به رای به قرآن و نیز شتاب زدگی بدون تعمق کافی در تفسیر قرآن را ممنوع می‌داند (صدر المتالهین ۱۳۶۳: ۷۱-۷۲).

او معتقد به جدا ناپذیری شریعت و اصول عقلی است (صدر المتالهین، ۱۹۸۱: ۳۲۹/۷) و نیز دریافت معانی باطنی از راه نبوت و ولایت (صدر المتالهین، ۱۳۶۳: ۴۸۵)، شایستگی روحی تاویل کننده، (صدر المتالهین، ۱۳۶۴: ۲۹۸/۳) عدم تناقض با اصول و عقاید صحیح و یقینی دینی را (صدر المتالهین، ۱۳۶۴: ۱۵۸/۴) از دیگر شرایط تاویل صحیح می‌داند. به گفته وی، گنجایش این عالم برای بیان حقایق کافی نبوده بلکه تنها مثال آنها قابل مشاهده است (صدر المتالهین، ۱۳۶۳: ۹۴/۳) در مقابل دیدگاه ملامت‌گرایان بر این عقیده هستند که قرآن با همان مفاهیمی که نزد عموم مردم معهود بوده، سخن گفته است و با این مبنا پیش فرض آنها، این است که مردم عرب اسلام معانی و مقاصد قرآن را در همه زمینه‌ها به خوبی درک می‌کردند و نتیجه دیگری نیز که گرفته‌اند، این است که همان درک و برداشت آنها برای ما نیز حجت است. از این رو، کسی حق ندارد آیات و مفاهیم قرآن را تاویل نماید. (شمخی، ۱۳۹۱: ۹۵-۱۱۶) و معتقدند اعتماد به عقل در تفسیر قرآن مصداق تفسیر به رای می‌باشد. آنها روایات نهی از تفسیر به رای را پشتوانه این دلیل می‌دانند (شیخ صدوق، ۱۳۹۸: ۱۱۶/۱) این روایت تقریباً در حد استفاضه است و برخی از نص‌گرایان آنها را متواتر معنوی می‌دانند (استرآبادی، ۱۴۲۴: ۳۵۴) این روایات با تعابیر مختلفی ذکر شده است در برخی تفسیر به رای نشانه ایمان داشتن به خداوند است (حرعاملی، ۱۴۵/۲۷) و

کفر (عیاشی، ۱۳۸۰: ۱۸) محسوب می شود. در تعدادی از روایات ذکر شده قول به رای درباره قرآن نهی شده و وعده آتش داده شده است. (حرعاملی، ۱۴۱۲: ۳۳/۲۷) دلیل بعضی از این ها، این است که مفسر به رای اگر هم به حقیقت دست یابد باز هم دچار اشتباه شده و خطا کار است (حرعاملی، ۱۴۱۲: ۲۰۲) از دیدگاه نص گرایان هر گونه تفسیر غیر ظاهری قرآن که با اتکا به عقل بدست می آید تفسیر به رای محسوب می شود و تفسیر به رای هم در روایات به شدت مورد نهی قرار گرفته است (طباطبایی، ۷۶/۳) در نتیجه بر خلاف شخص ملاصدرا که قرآن را دارای بطون مختلف می داند، و تاویل و یا همان تفسیر آیات را امری ضروری تلقی می کند نص گرایان به شدت مخالف این عمل هستند و از آن خودداری می کنند.

### ۵. اشتراک و افتراق ملاصدرا و نص گرایان

با تامل در نظر ملاصدرا و نص گرایان در خصوص نقش عقل در فهم معانی آیات قرآن، می توان گفت که هر دو رویکرد (عقل گرا و نص گرا) قائل به امکان فهم قرآن هستند، به این معنا که انسان ها می توانند معانی آیات قرآن را درک کنند. اما نص گرایان تنها راه فهم و درک معانی آیات قرآن را از طریق روایات می دانند و معتقدند که آیات قرآن کریم باید بر اساس و مبنای روایات منقول از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سایر ائمه معصومین علیهم السلام تاویل و معنا شوند. در مقابل، ملاصدرا که رویکرد ایشان را در تفسیر و فهم معانی آیات قرآن می توانیک نوع رویکرد عقل گرا دانست، معتقد است که فهم و درک معانی آیات قرآن باید بر اساس عقل صورت گیرد. به همین مبنای، ایشان به تاویل معنای برخی از آیات پرداخته و در مجموع قائل به این نکته است که عقل بهترین راه برای فهم معانی آیات قرآن است. هر چند ملاصدرا سایر ابزارهای تفسیر مانند روایات و توجه به قرائن و صدور و ذیل آیات را انکار نکرده است و مطالعه آثار تفسیری او نشان می دهد که ایشان در برخی از موارد برای فهم معانی آیات قرآن از این ابزارها نیز استفاده می کند. اما ملاصدرا آن ابزارها را با محوریت عقل سنجش و مورد ارزیابی قرار می دهد، در حالی که نص گرایان تنها ابزار فهم معانی آیات قرآن را در روایات منحصر کرده و برای عقل هیچ گونه جایگاه و ارزشی در خصوص فهم معانی آیات قرآن قائل نیستند. این رویکرد (رویکرد نص گرایان) در فهم معانی آیات قرآن ممکن است منجر به جحودگرایی و تحجر گردد. با تامل در مطالب مذکور، می توان گفت که ملاصدرا و نص گرایان در خصوص امکان فهم معانی آیات قرآن اشتراک نظر دارند، اما در چگونگی فهم معانی، اختلاف نظر دارند.

نص‌گرایان در فهم معانی آیات قرآن، یقین عقل را به طور کلی نفی می‌کنند، اما ملاصدرا مهم‌ترین ابزار برای فهم معانی آیات قرآن را عقل می‌داند و برای عقل در این خصوص جایگاه ویژه‌ای قائل است.

### نتیجه

از منظر عقل‌گرایان، به ویژه ملاصدرا، تاویل آیات قرآن از طریق عقل و تدبر در معانی واژگان آن امکان‌پذیر است. در این دیدگاه، عقل می‌تواند معانی پنهان و عمیق آیات را کشف کرده و به تاویل صحیح آن‌ها دست یابد. این رویکرد موجب می‌شود که تفسیر قرآن از حالت ایستا و محدود به فهم ظاهری فراتر رود و به درک‌های عمیق‌تری از معانی آیات دست یابد. ملاصدرا با تأکید بر جایگاه ویژه عقل در تاویل، به دیگر ابزارهای تفسیری همچون روایات و توجه به قرائن و صدر و ذیل آیات نیز توجه دارد و معتقد است که عقل باید در کنار این ابزارها، در فرایند تاویل آیات قرآن نقش ایفا کند. این تلفیق، موجب پویایی و بالندگی تفسیر اجتهادی می‌شود و به فهم معانی قرآن عمق و غنای بیشتری می‌بخشد. در مقابل، نص‌گرایان تنها به تاویل آیات قرآن از طریق روایات منقول از پیامبر ﷺ و ائمه معصومین علیهم‌السلام اعتقاد دارند و هیچ‌گونه جایگاهی برای عقل در فرایند تاویل قائل نیستند. این نگرش، در نهایت منجر به تفاسیر سطحی و نادرست از برخی آیات قرآن می‌شود و زمینه‌ساز برداشت‌های التقاطی و ناصواب در دنیای معاصر گردیده است. لذا پیشنهاد می‌شود برای تبیین نادرستی این رویکرد، تحقیقاتی مستقل در زمینه تاویل آیات قرآن و نقش عقل در آن انجام شود تا از استناد ناصواب به آیات قرآن در جهت عقاید غلط و جهل فکری جلوگیری گردد.

## منابع

### قرآن کریم

آریان، حمید، (۱۳۸۹): «شان و کارکرد عق در تفسیر قرآن از دیدگاه نص گرایان»، قم: نشریه قرآن شناخت. آلوسی، شهاب الدین، (۱۶۱۵): «روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم»، تحقیق عبدالباری عطیه، دارالفکر العالمیه.

ابن حزم، علی بن احمد بن سعید، (۱۴۲۴ق): «المحلی بالاثار»، بیروت: تحقیق لجنة احیاء التراث العربی. ابن منظور، محمد، (۱۴۱۴ق): «لسان العرب»، بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر. ابو صعلیک، محمد عبدالله، ابن حزم، (۱۴۲۳ق): «و آراوه فی علوم القرآن و التفسیر»، عمان- اردن: انتشارات دار البشیر.

ابن تیمیه، (۱۴۲۳ق): «مجموع الفتاوی ۱» مدینه: مجمع فهد لطباعه المصحف الشریف. بابایی، علی اکبر، (۱۳۸۰): «امکان جواز تفسیر»، قم: موسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه. برقی، احمد بن محمد بن خالد، (۱۳۷۱ق): «المحاسن»، قم: دارالکتب الاسلامیه. پونا والا، اسماعیل، (۱۳۸۶): «تأویل قرآن در نگاه اسماعیلیان»، ترجمه: محمد حسن محمدی، هفت آسمان، ش. ۳۴.

پالمر، فرانک، (۱۳۷۸): «نگاهی تازه به معناشناسی»، ترجمه کورش صفوی، تهران: نشر مرکز. جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۴): «حیات حقیقی انسان در قرآن»، قم: انتشارات اسراء. جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۶۸): «شرح حکمت متعالیمه»، تهران: انتشارات الزهر. حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۰۹ق): «الوسائل الشیعیه»، قم: انتشارات موسسه آل البيت (ع). حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۱۲ق): «الوسائل الشیعیه»، قم: موسسه آل البيت علیهم السلام. حائری اصفهانی، محمد حسین، (۱۴۰۴ق): «الفصول الغروییه فی الاصول الفقهییه»، قم: دار احیاء العلوم الاسلامیه.

خویی، ابوالقاسم، (۱۳۸۲): «بیان در علوم و مسائل کلی قرآن»، مترجم: محمد صادق نجفی، هاشم هاشم زاده هریسی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

خمینی، روح الله، (۱۳۸۵): «تفسیر سوره حمد»، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره). دهقان منگابادی، بمانعلی، (۱۳۷۵): «تاثیر دیدگاه های کلامی در تفسیر قرآن»، تهران: انتشارات در قرآن در آیین پژوهش.

ذهبی، محمد حسین، (۱۳۹۶): «التفسیر المفسرون»، بیروت: دارالحدیثه. ر.ک. «مجموعه رسائل فلسفی صدرالمتالهین»، ۱۳۷۵: تصحیح و تحقیق حامد ناجی اصفهانی. ر.ک. علیدوست، قاسم، (۱۳۸۳): «فقه و عقل»، چ دوم، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی. زرگر، نرگس، عبداللهی، محمد علی، (۱۳۹۲): «عقل در فهم آیات قرآن از منظر ملاصدرا»، قم: اندیشه نوین دینی.

زرکشی، بدرالدین، (۱۴۲۱ق): «البرهان فی علوم قرآن»، بیروت: انتشارات دار الفکر. سجادی، جعفر، (۱۳۷۵): «فرهنگ علوم فلسفی و کلامی»، تهران: انتشارات امیر کبیر. شیرازی، صدرالمتالهین، (۱۳۶۸): «الحکمه المتعالیه فی الاسفار العقلیه الاربعه»، مکتبه المصطفوی.

صدوق، محمد بن علی، (۱۳۹۸): «التوحید»، قم: انتشارات اسلامی. طبری، محمد بن جریر، (۱۴۱۲ق): «جامع البیان عن ای القرآن»، بیروت: دارالمعرفه. طباطبایی، سید محمد حسین، (۱۳۱۷ق): «المیزان فی تفسیر القرآن»، قم: دفتر انتشارات اسلامی. عمید زنجانی، عباسعلی، (۱۳۶۶): «مبانی و روش های تفسیر قرآن»، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

عیاشی، محمد بن مسعود، (۱۳۸۰): «التفسیر»، تهران: چاپخانه علمیه. فراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۴۱۰ق): «العین»، بیروت: موسسه الاعملی للمطبوعات. قرشی، علی اکبر، (۱۳۷۱ش): «قاموس القرآن»، تهران: دارالکتب الاسلامیه. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۹۰): «کافی»، ترجمه فریده مهدوی دامغانی، تهران: انتشارات دارالثقلین.

دوره هفتم
شماره دوازدهم
بهار و تابستان
۱۴۰۳

- کردی، علی، (۱۳۸۷ش)، گروه فرقان، تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- لحمر، حمید، (۲۰۰۰م)، الامام مالک مفسرا، بیروت: دارالفکر.
- مجلسی، محمد باقر، (۱۴۰۴ق): «بحار الانوار»، بیروت: موسسه الوفاء.
- مطهری، مرتضی، (۱۳۸۵): «اندیشه‌های استاد مطهری»، ج ۵، تهران: انتشارات صدرا.
- معادیخواه، عبدالمجید، (بی تا): «فرهنگ آفتاب»، تهران: انتشارات ذره.
- معرفت، محمد هادی، (۱۳۷۹): «علوم قرآنی»، تهران: موسسه فرهنگی التمهید و سازمان سمت.
- معین، محمد، (۱۳۸۶): «فرهنگ معین»، تهران: انتشارات زرین.
- مصباح یزدی، محمد تقی، (۱۳۸۵): «قرآن شناسی»، قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- مهدوی راد، محمد علی، زرگر، نرگس، (۱۳۹۰): «نقش عقل در فهم آیات قرآن (مقایسه دو دیدگاه ملاصدرا و احساسی)»، تهران: نشریه فلسفه دین.
- نजारزادگان، فتح الله، (۱۳۸۷): «رهیافتی به مکاتب تفسیری»، قم: دانشکده اصول دین.
- نیشابوری، فتال، (۱۳۶۶): «روضه الواعظین»، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران: نشر نی.
- نوری، میرزا حسین، (۱۴۰۸ق): «مستدرک الوسائل»، قم: انتشارات آل البيت.
- نقی پور، ولی الله، (۱۳۸۴): «پژوهش تدبیر در قرآن»، تهران: سازمان اوقاف و امور خیریه.
- ملاصدرا، (۱۳۹۱): «شرح اصول کافی»، تهران: انتشارات المکتبه المحمودی





## References

The Holy Quran

- Arian, Hamid, (1389): "The Glory and Function of the Aq in the Interpretation of the Quran from the Perspective of Textualists", Qom: Quran Knowledge Publication.
- Alousi, Shihab al-Din, (1415): "The Spirit of Meanings in the Interpretation of the Great Quran", research by Abdul Bari Atiyah, Dar al-Fikr al-Alamiyah.
- IbnHazzam, Ali bin Ahmad bin Saeed, (1424 AH): "Al-Muhallibal-Athar", Beirut: Research by the Committee for the Revival of the Arab Heritage.
- IbnManzur, Muhammad, (1414 AH): "Lisan al-Arab", Beirut: Dar al-Fikr for Printing and Publishing.
- Abu Sa'ilik, Muhammad Abdullah, IbnHazzam, (1423 AH): "And his insight into the sciences of the Quran and interpretation", Amman-Jordan: Dar al-Bashir Publications.
- IbnTaymiyyah, (1423 AH): "Majmoo' al-Fatawa 1" Medina: Fahd Assembly for Printing the Holy Quran.
- Babai, Ali Akbar, (1380): "The Possibility of Permissibility of Interpretation", Qom: Hawza and University Research Institute.
- Barqi, Ahmad bin Muhammad bin Khalid, (1371 AH): "Al-Mahasin", Qom: Dar al-Kutb al-Islamiyya.
- Poonawalla, Ismail, (1386): "The Interpretation of the Quran from the Perspective of the Ismailis", translated by Muhammad Hassan Mohammadi, Haft Aseman, vol. 34
- Palmer, Frank, (1378): "A New Look at Semantics", translated by KourosHafavi, Tehran: Markaz Publishing House.
- JavadiAmoli, Abdullah, (1384): "The True Life of Man in the Quran", Qom: Israa Publishing House.
- JavadiAmoli, Abdullah, (1368): "Explanation of the Supreme Wisdom" Tehran: Al-Zahra Publications.
- Haramili, Muhammad bin Hassan, (1409 AH): "Al-Wasa'il al-Shi'ah", Qom: Al-Bayt Institute (PBUH) Publications.
- Haramili, Muhammad bin Hassan, (1412 AH): "Al-Wasa'il al-Shi'ah", Qom: Al-Bayt Institute (PBUH).
- Ha'iriIsfahani, Muhammad Hussein, (1404 AH): "Al-Fusul al-Gharyyah fi al-Usul al-Fiqhiyyah", Qom: Dar Ihya' al-Uloom al-Islamiyyah.
- Khoei, Abu al-Qasim, (1382): "Explanation on the Sciences and General Issues of the Quran", Translated by: Muhammad SadeqNajafi, HashimHashimzadeh-Harisi, Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance.
- Khomeini, Ruhollah, (2006): "Interpretation of Surah Hamad", Tehran: Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works (RA).
- DehghanMangabadi, Bemanali, (2006): "The Influence of Theological Perspectives on Interpretation of the Quran", Tehran: Publications in the Quran in the Mirror of Research.
- Dhahabi, Mohamad Hossein, (2017), "Interpretation of the Interpreters", Beirut: Dar al-Hadithah.
- See also: "Collection of Philosophical Treatises of Sadr al-Mutalahin", 2006: Edited and researched by HamedNajiIsfahani.
- See also: Alidoust, Qasem (2004): "Jurisprudence and Reason", Part 2, Tehran: Institute for Islamic Culture and Thought.
- Zargar, Narges, Abdullahi, Muhammad Ali (1392): "Reason in Understanding the Verses of the Quran from the Perspective of MullaSadra", Qom: New Religious

Thought.

- Zarkashi, Badr al-Din, (1421 AH): "Al-Burhan fi Ulum al-Quran", Beirut: Dar al-Fikr Publications.
- Sajjadi, Jafar, (1375): "Farhang al-Ulum fi fil-Isfah al-Kabir", Tehran: Amir Kabir Publications.
- Shirazi, Sadr al-Mutalahin, (1368), "Al-Hikmah al-Mutala'ilah fi al-Asfar al-Aqliyyah al-Arba'ah", Maktaba al-Mustafawi.
- Saduq, Muhammad ibn Ali, (1398): Al-Tawhid, Qom: Islamic Publications.
- Tabari, Muhammad ibnJarir, (1412 AH): "Jami' al-Bayan an-i-Quran", Beirut: Dar al-Marfa.
- Tabatabai, Seyyed Mohammad Hossein, (1217 AH): "Al-Mizan fi Tafsir al-Quran", Qom: Islamic Publications Office.
- Amid Zanjani, Abbas Ali, (1366): "Fundamentals and Methods of Interpreting the Quran", Tehran: Printing and Publishing Organization of the Ministry of Culture and Islamic Guidance.
- Ayyashi, Mohammad bin Masoud, (1380): "Tafsir", Tehran: Ilmiyyah Printing House.
- Farahidi, Khalil bin Ahmad, (1410 AH): "Al-Ain", Beirut: Al-Amal Institute for Printing.
- Qurashi, Ali Akbar, (1371 AH): "Quamus al-Quran", Tehran: Dar al-Kutb al-Islamiyyah.
- Kulani, Mohammad bin Yaqoob, (1390): "Kafi", translated by FaridehMahdaviDamghani, Tehran: Dar al-Thaqlain Publishing House.
- Kurdi, Ali, (1387), Furqan Group, Tehran: Islamic Revolution Documents Center Publications. Lahmar, Hamid, (2000), Imam Malik Commentaries, Beirut: Dar al-Fikr.
- Majlisi, Mohammad Baqir, (1404 AH): "Bihar al-Anwar", Beirut: Al-Wafa Institute.
- Motahari, Morteza, (1385): "Thoughts of Professor Motahari", Vol. 5, Tehran: Sadr Publications.
- Maadikhah, Abdul Majid, (2006): "Afta Culture" B, Tehran: Zarza Publications.
- Marefat, Mohammad Hadi, (1379): "Quranic Sciences", Tehran: Al-Tamheed Cultural Institute and Samt Organization.
- Moeen, Mohammad, (1386): "Moeen Culture", Tehran: Zarrin Publications.
- MesbahYazdi, Mohammad Taqi, (2006): "Quranic Studies", Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute (RA).
- Mahdavi Rad, Mohammad Ali, Zargar, Narges, (2011): "The Role of Reason in Understanding the Verses of the Quran (Comparing the Two Views of MullaSadra and Ahsa'i)", Tehran: Philosophy of Religion Publication.
- Najarzadegan, Fathullah, (2008): "An Approach to the Schools of Interpretation", Qom: Faculty of Principles of Religion.
- Neyshaburi, Fattal, (2007): "Rawzat al-Wa'ezin", translated by Mahmoud MahdaviDamghani, Tehran: Nay Publication.
- Nouri, MirzaHossein, (1408 AH): "Mustadrak al-Wasa'il", Qom: Al-Al-Bayt Publications.
- Naghipour, Valiullah, (2005): "Research on Reflection in the Quran", Tehran: Endowments and Charity Affairs Organization.
- MullaSadra, (2012): "Explanation of the Principles of Al-Kafi", Tehran: Al-Makto-be Al-Mahmoudi Publications.